



تیر روز

روحانی: به خاطر مشکلات مردم متاسفم

مردم: چه تفاهمی، ما هم به خاطر مشکلات مون متاسفیم، خب چی؟!

وزیر نیرو: صنایع دو هفته تعطیل می شوند

دارکوب: فقط حواس تون باشه خود نیروگاه‌های برق رو هم تعطیل نکنین!

سفیر ژاپن: از رسیدن دریاچه ارومیه به حالت ثبات خوشحالی‌م

مردم ایران: ما هم از حالت نشستن مسئول محیط زیست مون تو شرایط ثبات نگرانیم!

روحانی: برق برای زندگی مردم بسیار مهم است
مردم: خوب شد گفتین، خودمون یادمون رفته بود!

سفیر ارمنستان: اقامت کمتر از ۱۰ روز مشمول واکسن نمی‌شود

دارکوب: اشکال نداره، وقتی ۵۰ مدل واکسن تولید کردیم اگه دادیم بهتون!

بیسکویت‌های یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی در راه ایران (جام جم)

یک آواز اده: امیدوارم اینا دیگه تو جای له نشن!

وزیر نیرو: اعمال خاموشی بدون برنامه پذیرفتنی نیست

مردم: اگه بگید کی وصله، شاید کارتون آسون تر بشه!

پژوهشگران: موهای خاکستری با رفغ استرس می‌توانند به رنگ طبیعی برگردند

مردم: مال ما که فعلا از استرس‌ها کلا داره می‌ریزه!

کله چغوکی

آق کمال می‌ترسد!



آق کمال

همه کاره و هیچ کاره

چند وقت پیش عیال گفت یک سریال ترسناک آمده تو شبکه نمایش خانگی، ببگیر مش. گفتُم: «جان ما بیخیال شو! مدنی که مو اهل ای جور فیلما نیستُم.» خندید و گفت: «ای ترسو! خجالت بکش» گفتُم: «مو ترسو نیستُم، چندشم مشه!» گفت: «حالا می‌گیم قاتل زنجیره‌ای و زامبی ممکنه حال آدم رو به هم بزنن ولی شبح و روح که چندش آور نیستن.» گفتُم: «اتفاقا وقتی نصف شب از تو کانال کولریگ صداهایی میادیا در اشکاف خودبه‌خود و ام‌ره، خیلی هم چندشه!» خلاصه دو سه قسمت سریاله ره خریدم و دیدم و چشمتان روز بد نبینه... یعنی جوری شده بود که جرئت نمکردم یک دقیقه تو خانه تنها باشم!

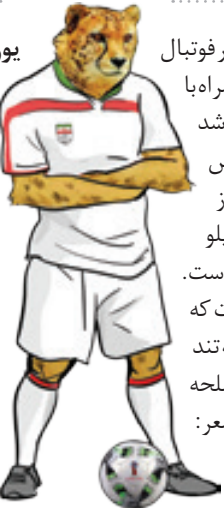
تا ای که یک روز عیال گفت جلسه دره و شب دیرتر میه. مویم دل تو دلم نبود که چی جوری تو خانه تنها بمانم. آقای دکتر اینا هم خانه نبودن و تو کل ساختمون تنها بودم. نشسته بودم کنج دیوار یک چشمم به گوشی بودو یک چشمم عین آفتاب پرست، بقیه خانه ره نگاه مکرد که یگهو بر قارفت! انا حالا خوب رفتم. آقا ماره مگی، عرق کرده بودُم که نم‌دنسُم از گرما به یاترس. حالا به خودم مگفتم مرد گنده، ای همو خانه‌ایه که سال‌ها توش زندگی کردی، چیش ممکنه ترسناک باشه؟ از اوور خودُم جواب مدادم که او چیزایی که مواشان مترسُم، از درو دیوار هم ردِ مشن! چراغ‌قوه گوشی ره روشن کرده بودم و تو خانه مچر خاندُم که... باتریش تموم رفت! یعنی قلمم آمده بود تو دهنم مزد. نفهمیدُم چی جوری لباس پوشیدم و بدور فتم تو حیاط. همه جا سوت و کور. در حیاطه باز کردم بزم تو کوچه که افلا یک آدم بیسُم که خدا بر اتان نیاره... یگهو یک چیز می‌مثل دیو جلوم سبز رفت و خوردم بهش. حالا زبونم بند آمده بود که داد بیکشُم که دیدم او موجوده دره مخنده. گفتُم کارم تمومه، الانه که با موره بخوره یا تبدیلم کنه به گربه... که شنیدم یک صدای آشنا مگه: «چرا این جوری می‌کنی کمال؟» همو جور که روزمین نشسته بودم سرمه بالا آوردم و دیدم عیال از یک طرف دره تگونم مده و از او طرف هم آقای دکتر از خنده کبود رفته. دکه یادُم نیمه که چی بهانه‌ای آوردم، فقط میدُم تا یک هفته سعی مکردم با آقای دکتر روبه‌رو نشم ولی هنوز کاملیا خانم دره مخنده. ایم از ای.

معتادان پس از ترک اعتیاد! تسهیلات ۵۰ میلیون تومانی می‌گیرند!



کار نویس: محمد جواد ظاهری

دیکتیوناری



یوز (Yooz): مخفف یوزپلنگ، حیوان بومی ایران که تا چند وقت دیگر فقط به صورت کم رنگ در افسانه‌ها و روی پیراهن تیم ملی حضور خواهد داشت. این کلمه هم خانواده‌های بسیاری دارد. مانند: **یوزر** | یوزی که زیادی زر می‌زند. **یوزی** | روش صدازدن یوزهای نر توسط همسران لوس شان. **میوز** | به گریه‌هایی که ادعای یوزپلنگی دارند گفته می‌شود. **چلغوز** | به یوزهای معتاد گویند که توان راه رفتن هم ندارند، چه برسد به دویدن. **بالقوز** | یوزهای مجردی که از ازدواج فرار می‌کنند و تک‌تنها دنبال آهو می‌دوند. **فیوز** | غده‌ای داخل مغز یوزهاست که وقتی چشم‌شان به طعمه‌ای می‌افتد و دنبالش می‌دوند ولی به آن نمی‌رسند، عصبانی شده و این غده قلمبه می‌شود. در اصطلاح به این عمل فیوز پراندن می‌گویند که به مرور زمان به کنایه برای عصبانی شدن و همچنین یک اصطلاح در علم الکترونیک تبدیل شده است. کلمه‌های دیگری هم هستند که خب دیگر جانداریم.

چرخش یک کار دار

بیخیال کشتنی ساحلی...

پاشو این کرمره و ببین چه خوشگله!



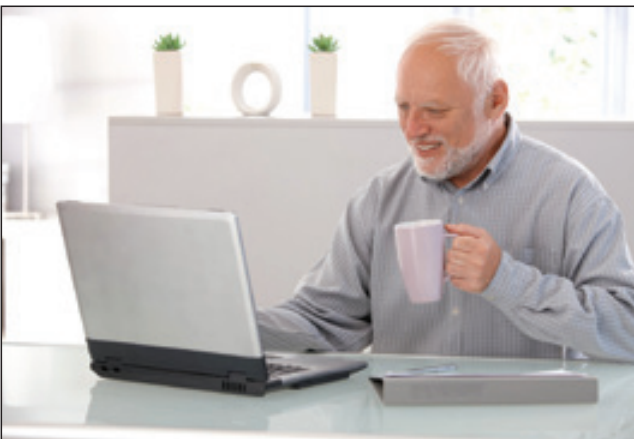
جهانگیری: جواب همه رو می‌دم ولی بذارین اول اون آقا که ماسک رو کشیده رو سرش سواالش رو بکنه، تا جوش نیاور ده!

پیر مرد

پرحاشیه



بازم رفتم!



امروز سه بار برق رفت

ببینم جدول قطع برق فردا چه ساعتیه؟

فال روز

ای صاحب فال، چند روزی است که احساس ناراحتی می‌کنی، مخصوصاً وقتی از خانه خارج می‌شوی این احساس بیشتر می‌شود، تحمل حرف زدن با کسی را نداری، می‌خواهی زود به خانه برگردی، وقتی بیرون هستی ناآرام و بی‌قراری... چیزی نیست، مارک پشت لباست روبکن، راحت می‌شی!

شعر روز

دوبیتی های خبری هفته

ایران بیش از ۲۵۰ هزار

ابر میلیاردر دارد

تومی پرسی چرا ما بی‌نشانی‌م؟

دلیلش هست این: بی‌آشنایی‌م!

کسی نشمرد ما را این همه سال

چرا؟ چون از ابر مستضعفانیم!

*

گام‌فوبیا (ترس از متاهل شدن)

مانع جدید از دواج جوانان

ای دل بلا، ای دل بلا، ای دل بلایی

ای دل به درد عشق عمری مبتلایی

یک بار هم اما نرفتی خواستگاری

شاید تو هم درگیر گام‌فوبیایی؟!

*

باران، شامپانزه باغ وحش ارم

به کنیا فرستاده شد

گران چون بود موز، آن بی‌زبان رفت

نبود بود اگر بار گران، رفت

به شهر ما که بارانی نیامد

همین یک دانه باران هم از آن رفت!

*

تلفیق شیوه‌های مجازی و حضوری

بهترین روش در پساکرونا

بذارین تخت جای نیمکت‌ها

یه روانداز و یک دونه متکا

یه بسته چیپس، یک لیوان چایی

بساط درس حالا شد مهیا!

مجید رحمانی صانع

کووید آسان نمود اول

الایا ایها الدولت ادر واکسن و حاملها

کووید آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها

به بوی الکل و تیرک شدم معتاد و وابسته

چه ترسی با خودت افکندی ای ویروس در دل‌ها!

مرادر شهر و در مترو چه امن عیش چون هر دم

خبر فریادمی دارد حذر گردد ز ناقل‌ها

به‌زل دست تو نمکین کن اگر رفتی به مهمانی

کسی را چون خبر نبودی راه و رسم منزل‌ها

دوباره پیک و موج پنج و تعطیلی هر باره

کجا داند حال کاسب و احوال شاغل‌ها

سرو کارم ز نادانی به بیماری کشید آخر

ز بس گشتم به هر جایی بدون ماسک چون ول‌ها

چو عاقبت همی خواهی برو در لاک خود چندی

متی واکسن ز نیم ماها؟ بپرس این راز عاقل‌ها

شیما اثنی عشری



کفش همه کاره

یک لنگه

نوع:

توافقی

قیمت:

توضیحات:

یک عدد کفش پرنده، با قابلیت پرواز

در ارتفاع، متاسفانه جفتش از دست

رفته. مناسب برای:

فرار از دست کیف‌قاپ، گذر از

ترافیک، مهارت پرتاب کفش مادرانه

به سوی فرزندان ناخلف، پز دادن این

که یک کفش دارم ارزن می‌خوره، و

قابلیت‌های متنوع دیگر

در صورت داشتن پشتکار شاید بتوانید

وادارش کنید که تخم هم بگذارد و از

خرید تخم مرغ بی‌نیاز شوید